

مقدمه

در زمانه‌ای که ما زندگی می‌کنیم، فضای مجازی یکی از عناصر اساسی زندگی فردی و اجتماعی محسوب می‌شود. این فضا نقشی انکارناپذیر و اساسی در همه حیطه‌های حیات ما اعم از سیاست، امنیت، رسانه، اقتصاد، فرهنگ، سبک زندگی و... دارد و حتی تمامی این ساحات را به شکلی نوین متحول و بازتعریف کرده است. نفس این فضا و تحول و تغییر در عرصه‌های زندگی بشری چنان اساسی و مؤثر است که رهبر معظم انقلاب آن را "مهم به اندازه انقلاب اسلامی"¹ توصیف کرده‌اند. این عرصه "یکی از نمادهای تحول جهانی"² است و هیچ نوعی از انواع بی‌توجهی (چه بی‌توجهی از سر تنبلی باشد و چه خیانت) در مقابل این عرصه پذیرفتنی نیست.

این عرصه به تعبیر رهبر انقلاب "نعمت در عین نعمت"³ و شامل "منافع بی‌شمار و مضرات بی‌شمار"⁴ است. متأسفانه در فضای داخل کشور، میان مسئولین، نخبگان، و حتی مردم عادی به‌شکلی یک‌سویه به پیامدهای فضای مجازی نگرسته شده است، چنانکه گاه از جنبه‌های تهدیدگر و گاه از جنبه‌های فرصت‌آفرین آن غفلت ورزیده‌اند. این نگاه‌های یک‌سویه هر یک ما را به وضعی دچار کرده‌اند که ثمره‌اش چیزی جز انفعال، درجاذدن، و عدم کسب جایگاه مقتدر و پیشرو نیست. بازنگری در این نگاه و بازسازی یک نگاه فعال به فضای مجازی نیاز عاجل مملکت ایرانی و اسلامی ماست. این بیانیه نقش خود را زنه‌ار به هر نوع نگاه انفعالی در عرصه‌ی فضای مجازی تعریف می‌کند.

ما دانشجویان به عنوان آینده‌سازان این مرز و بوم و پشتوانه منابع انسانی تحول کشور و آموزندگان و سازندگان علم و فناوری آینده ایران اسلامی عزیز، در پیروی از رهبر عزیزمان، توجه همه‌جانبه به این فضا را نه تنها اساسی که آینده‌ساز ایران می‌دانیم. دغدغه و مطالبه اساسی ما به تأسی از رهبر معظم انقلاب "مواجهه هوشمندانه و مقتدرانه با تحولات پرشتاب این عرصه" است. به گمان ما، اساسی‌ترین عواملی که در این عرصه مؤثرند و سبب پیشروی در این عرصه و تحقق مواجهه مطلوب رهبری با آن خواهند شد عبارتند از: (۱) بازسازی ساختارها، (۲) عملگری فعال مسئولان و (۳) مطالبه‌گری و کنشگری فعال نخبگان دانشگاهی.

بیانیه حاضر در جهت تبیین مواضع، دغدغه‌ها و مطالبات دانشجویی در عرصه فضای مجازی در دو بخش ارائه می‌گردد: بخش نخست خطاب به مسئولان این عرصه نگاشته شده و ما دانشجویان دغدغه‌های رهبری را (که به

1 اهمیت این حوزه به اندازه انقلاب اسلامی است (به نقل از دکتر حمید شهریاری - 90/12/26).

2 پیدایش فضای مجازی در چند دهه اخیر یکی از بزرگترین نمادهای تحول جهانی است. رخدادی که تأثیرات شگرف آن هر روز در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دفاعی در عرصه ملی و بین‌المللی نمود بیشتری پیدا می‌کند (94/6/14 - حکم انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی)

3 اینترنتیکی از نعم بزرگ الهی است، اما در عین حال یک نعمت بزرگ هم هست؛ یعنی یک چاقوی دو دم و خطرناک (81/9/26 - بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی)

4 این یک عرصه‌ای است که دارای منافع بی‌شمار و دارای مضرات بی‌شمار است؛ عرصه فضای مجازی این‌جوری است (95/6/16 - بیانات در اولین جلسه درس خارج فقه در سال تحصیلی جدید).

گمان ما راه‌حل عمدهٔ مشکلات این عرصه است) از مسئولان مطالبه خواهیم کرد. در بخش دوم، خطابمان به دانشگاهیان است و با اشاره به نقش محوری‌ای که این قشر -و ما نیز بر زمره‌ی آنها- بر عهده دارند، از آنها خواهیم خواست تا در این عرصه به کنشگری فعالانه و جهادی همت گمارند.

1. سخنی با مسئولان

فضای مجازی رودخانه‌ای خروشان⁵ و جریانی افسارگسیخته⁶ است که در آن، مفاسد و مضرات متعددی وجود دارد. این نقمات و معایب عبارتست از:

- 1) استفاده پیشرفته جبهه دشمن⁷ به منظور سلطه فرهنگی و نفوذ امنیتی در ارکان مختلف نظام،
- 2) وسیله‌ای برای گسترش شبهات و تضعیف اعتقادات⁸،
- 3) وسیله‌ای برای رواج توهین و تهمت در فضای مجازی⁹،
- 4) وسیله‌ای برای پرده‌داری و عفاف‌زدایی از جوانان¹⁰،
- 5) ابزار القای ناامیدی توسط دشمن¹¹، تأثیرگذاری گسترده فرهنگی بر کودکان و نوجوانان¹² و ...

5) ایشان در مقام تشبیه فرمودند که این فضا مثل یک رودخانه پر از آب و خروشان است که می‌آید و دائماً هم بر آب آن افزوده و خروشان‌تر می‌شود (به نقل از دکتر حمید شهریاری - 90/12/26).

6) اینترنت الان مثل یک جریان افسارگسیخته است... این مثل آن است که کسی یک سگ وحشی را بیاورد، بگویند قلاده‌اش کو؟ بگویند سفارش کرده‌ایم آهنگر قلاده را بسازد! (81/9/26- بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی)

7) [دشمنان] یک جبهه تشکیل دادند که این جبهه امروز هم وجود دارد و از انواع و اقسام شیوه‌ها هم دارد استفاده می‌کند؛ همچنان که فرض کنید بیست سال پیش اینترنت نبود، امروز هست؛ ابزارها روزبه‌روز دارد پیشرفته می‌شود (95/1/11- بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام)

8) این شیطانی که حمله می‌کند، همیشه یک جور حمله نمی‌کند. شیطان امروز که از راه اینترنت و ماهواره و روش‌های ارتباطی مدرن و فوق مدرن سراغ شما می‌آید، حرف‌های مدرنی هم دارد؛ سخت‌افزارش را مدرن کرده، نرم‌افزار مدرن هم دارد. شبهه‌آفرینی دارد، اخلاق در عقیده دارد، ایجاد تشویش در ذهن دارد، تزریق ناامیدی دارد، ایجاد اختلاف دارد (90/7/20- بیانات در دیدار روحانیون استان کرمانشاه).

9) یک مسئله مهم دیگر هم مسئله وحدت احاد مردم - وحدت ملی و وحدت اجتماعی مردم- است. متأسفانه امروز در فضای عمومی، در فضاهای مجازی، توهین به یکدیگر، اهانت به یکدیگر، تهمت زدن به یکدیگر از سوی جمعی رایج شده است؛ البته این جمع، مسلماً جمع زیادی نیستند، لکن کارشان به کشور و به فضای عمومی کشور صدمه می‌زند؛ بعضی از اینها گناه کبیره است (97/3/25- بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر)

10) پایگاه‌های اینترنتی فراوانی وجود دارد که هدفشان این است که عفت جوان را، حیای جوان مسلمان را -چه پسر، چه دختر- از بین ببرند؛ پرده حیای او را ب‌درند؛ اصلاً هم‌تشان این است و برای این برنامه‌ریزی می‌کنند (95/6/16- بیانات در اولین جلسه درس خارج فقه در سال تحصیلی جدید).

11) ما دشمن داریم؛ ما یک ملتی هستیم که به دلایل گوناگون، دشمنان خبیث و رذل کم نداریم؛ در اطراف کمین گرفته‌اند، به مجرّدی که این مشکل [ارز] را در داخل مشاهده کرد، فوراً مثل مگس که روی زخم می‌نشیند، می‌آید می‌نشیند روی این مشکل و بنا می‌کند از این سوءاستفاده کردن؛ القا می‌کند که به نظام اسلامی نتوانست، نظام اسلامی ناتوان بود؛ القای ناامیدی می‌کند، مردم را دچار سرگردانی می‌کند. تبلیغات [می‌کنند]؛ می‌بینید دیگر؛ حالا من نمی‌دانم چقدر شماها با این تبلیغات جهانی ارتباط دارید؛ حالا که دیگر فضای مجازی در اختیار همه هست. به‌طور دائم، از صد طرف، تبلیغات علیه نظام اسلامی و علیه اسلام و علیه جمهوری اسلامی و علیه همه دستگاه‌های کشور و مانند اینها شروع می‌شود، به‌خاطر خطایی که زیدی، عمرو یا بکری انجام داده‌اند؛ دشمن از این سوءاستفاده می‌کند (97/5/22- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم).

اینکه شما مشاهده می‌کنید صداها مرکز رادیویی و تلویزیونی، بعلاوه‌ی صداها مراکز گوناگون سایبری و محیط مجازی در نقاط مختلف دنیا دارند تلاش می‌کنند تا پیام یأس و ناامیدی را به اذهان ملت ما تلقین کنند، به خاطر همین است. وقتی ناامیدی به وجود آمد، وقتی یأس وجود داشت، نشاط از بین می‌رود و شور و تحرک خاموش می‌شود (91/7/22- بیانات در جمع مردم اسفراین).

12) تهاجم فرهنگی یک حقیقتی است که وجود دارد؛ می‌خواهند بر روی ذهن ملت ما و بر روی رفتار ملت ما - جوان، نوجوان، حتی کودک - اثرگذاری کنند. این بازی‌های اینترنتی از جمله همین است؛ این اسباب‌بازی‌هایی که وارد کشور می‌شود از جمله همین است (92/9/19- بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی).

مفاسد و مضرات فضای مجازی سبب شده تا رهبر انقلاب از تعبیر "لغزشگاه"¹³ برای این فضا استفاده کنند. بر غفلت و خیانت خواهیم بود اگر گمان بریم این لغزشگاه نیز مانند دیگر لغزشگاه‌هایی است که تهدیدگر نسل جوان، فرهنگ و آئین، موجودیت و بقای حاکمیت ملی این مرز و بوم کهن و... هستند؛ بلکه این بار نیز باید به بیان رهبری رجوع کرد:

اولاً این فضا بزرگتر از فضای حقیقی است^{۱۴}،

ثانیاً تعبیر مجازی نه از آن روست که در مقابل واقعیت است، بلکه عین واقعیت است^{۱۵}.

باید توجه داشت که این جوانان و نوجوانان این مرز و بوم هستند که بیش از هر قشر دیگری در این عرصه تنفس می‌کنند و مشکلات مذکور نیز بیش از همه، متوجه آنها و آینده کشورمان است.

مشکلات ذکر شده **اولاً** نافی ارزش‌ها و فرصت‌های فضای مجازی (چه برای جامعه و چه برای انقلاب) نیست و **ثانیاً** چونان که برخی کژاندیشان گمان می‌برند، این مشکلات صرفاً در لایه محتوا و با راهکار تقویت رسانه‌ای حل‌شدنی نیست. این خود نوعی انفعال و انحراف خواهد بود اگر بپنداریم که با افزایش رسانه‌ها، کانال‌ها و محتوای ایرانی-انقلابی مسائل و مشکلات فضای مجازی را حل خواهیم کرد. به گمان ما، توجه به همه ابعاد و لایه‌های فضای مجازی (خصوصاً مدیریت هوشمندانه حاکمیتی) و دوری از ارائه راه حل‌های مقطعی-جزئی (به خصوص آن‌هایی که برچسب انتخاباتی یا شعاری می‌خورند) شرط ارائه هر راه حلی در مقابل مشکلات و تهدیدات فضای مجازی است.

رهبر انقلاب در بیانات گوناگون خود بسیاری از راهکارهای مؤثر برای مواجهه و مدیریت فضای مجازی را تبیین نموده‌اند. این که چرا مسئولان (مانند بسی دیگر از مسائل کشور) بدین راهکارها توجهی نشان نمی‌دهند، همواره برای قشر دانشجو سوال بوده است. پاسخ به سوال مذکور هدف بیانیه‌ی حاضر نیست؛ لذا این بیانیه با خطاب قراردادن مسئولان و بازگویی دوباره‌ی راهکارهای رهبری تلاش خواهد کرد که غافلان را از خواب بیدار کند و بر خیانت‌کاران زنه‌ار زند. ما به مسئولان هشدار می‌دهیم که در صورت بی‌توجهی یا اعمال غلط راهکارهای ارائه

13 خب، اینجا لغزشگاه است. هیچ‌کس نمی‌گوید آقا جاده نکش...جاده اتوبان هم بکش، اما مواظب باش! آنجایی که ریزش کوه محتمل است، آنجا محاسبه لازم را بکنید. ما به مجموعه وزارت ارتباطات و شورای عالی مجازی -که بنده از آن هم گله دارم- سفارشمان این است. ما نمی‌گوییم این راه را ببندید؛ نه، اینکه بی‌عقلی است. یک کسانی نشسته‌اند، فکر کرده‌اند، یک راهی باز کرده‌اند به‌عنوان این فضای مجازی و به قول خودشان سایبری؛ خیلی خب، از این استفاده کنید، منتها استفاده درست بکنید (95/2/13- بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان).

14 این فضای مجازی امروز از فضای حقیقی زندگی ما چند برابر بزرگ‌تر شده؛ بعضی‌ها اصلاً در فضای مجازی تنفس می‌کنند؛ اصلاً آنجا تنفس می‌کنند، زندگی‌شان در فضای مجازی است (95/2/13- بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان).

15 همین فضای مجازی که این برادرمان به تفصیل و خیلی خوب بیان کردند و تعبیر خوبی است که ایشان کرد و به ذهن بنده هم اتفاقاً همین تعبیر قبلاً رسیده بود که «اسمش فضای مجازی است درحالی‌که واقعاً فضای حقیقی است»؛ یعنی این فضا درون زندگی بسیاری از مردم حضور دارد (96/6/6- بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران)

شده، مفاسد و تهدیدهای فضای مجازی نه تنها وسیع تر خواهد شد بل آن که تمامیت ارضی و تمامیت انقلابی ایران اسلامی نیز به واسطه فضای مجازی به چالش و تهدید گرفته خواهد شد. آن کسی که امروز چشم خود را به روی تهدیدها و فرصت های فضای مجازی برای انقلاب بسته است، کسی است که دیروز از قطار انقلاب پیاده شده است.

1.1. اصلاح وضعیت ساختاری حاکمیت فضای مجازی

1.1.1. جایگاه محوری شورای عالی فضای مجازی

رهبر معظم انقلاب در حکمی به سال 1394، خطاب به اعضای شورای عالی فضای مجازی، به لزوم انحلال شوراهای موازی مسئول در این زمینه اشاره کردند. علت این امر "تحکیم جایگاه فراقوه ای و موقعیت محوری و کانونی شورای عالی و نیز انتقال وظایف آن شوراها به شورای عالی فضای مجازی" بود. اما متأسفانه، از زمان صدور این حکم تا به حال، و با تحولات مدیریت و اعضا، این شورا به هیچ وجه نتوانسته این خواست رهبری را محقق کند. چرا برخی، خلاف خواست و مطالبه رهبری، هنوز این شوراهای موازی را زنده نگاه داشته اند و چرا تمرکز حاکمیتی در شورای عالی فضای مجازی هنوز اجرا نشده است؟ بیش از ۴ سال گذشته است و ما طلایی ترین دوران برای مدیریت فضای مجازی را از دست داده ایم.

"یکپارچگی در سیاست گذاری و مدیریت کلان" فضای مجازی در ایران اسلامی مسئله ای است که هر عقل سلیمی آن را خواهد پذیرفت اما چرا با گذشت بیش از چهار سال از این فرمان، این شورا هنوز نتوانسته به مدل مطلوبی از همکاری و تأثیرگذاری فراقوه ای بر ارکان اساسی حاکمیت فضای مجازی یعنی وزارت ارتباطات، وزارت ارشاد، صدا و سیما، و... دست یابد؟ این شورا همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی مسئولیت های خطیری دارد، اما به لحاظ ساختاری، فاقد توان کنش فعال و مؤثر است. اکنون می بینیم که شورای عالی فضای مجازی تبدیل به یک ساختار ناکارآمد و منفعل در جمهوری اسلامی ایران شده است و دلیل نیز روشن است: ناتوانی در یکپارچه سازی سیاست گذاری و مدیریت کلان فضای مجازی.

در حکم سال 1394، یکی از موارد مورد تأکید رهبر انقلاب "ارتقای جمهوری اسلامی ایران به قدرت سایبری در طراز قدرت های تأثیرگذار جهانی و برخورداری از ابتکار عمل و قدرت تعامل با دیگر کشورها در جهت شکل دهی به قواعد و قوانین مرتبط با فضای مجازی در عرصه جهانی با رویکرد اخلاق مدار و عادلانه" بوده است. حال، اگر در جمهوری اسلامی هنوز یک مدیریت یکپارچه ایجاد نشده است، چگونه قرار است که این هدف محقق شود؟ قدرت سایبری و قدرت در فضای مجازی یک مسئله ملی و انقلابی است. انقلاب برای تبدیل شدن به یک کنشگر بین المللی ابتدا می باید ساز و کار درونی خودش را منسجم کند. امری که بیش از همه بر عهده

شورای عالی فضای مجازی بوده و در عمل هیچ حرکت مؤثری در این زمینه روی نداده است. از این رو مقصر اصلی هم نهاد مذکور است.

توصیه‌های رهبر انقلاب صرفاً در سطح تعیین آرمان‌ها باقی نمانده است و ایشان نقشه راه گذار به قدرت سایبری جدید را با توجه به وضعیت موجود کشور و حاکمیت تعیین کرده‌اند: اساسی‌ترین گامی که کشور باید برای تحقق این آرمان طی کند «شبکه ملی اطلاعات» است که شامل فواید بسیار است و بخش اعظم مشکلات فضای مجازی را از میان خواهد برد. لکن این نیز قصه‌ی پر دردی است.

1.1.2. شبکه ملی اطلاعات:

تعریف شورای عالی فضای مجازی از شبکه ملی اطلاعات از این قرار است: «شبکه‌ای مبتنی بر قرارداد اینترنت (آیپی)، به همراه سوئیچ‌ها و مسیریاب‌ها و مراکز داده‌ای است. به صورتی که درخواست‌های دسترسی داخلی و اخذ اطلاعاتی که در مراکز داده داخلی نگهداری می‌شوند، به هیچ وجه از طریق خارج کشور مسیریابی نشود و امکان ایجاد شبکه‌های اینترنت، خصوصی و امن داخلی در آن فراهم شود.»

این تعریف، شبکه ملی اطلاعات را شبکه‌ای مبتنی بر قرارداد اینترنت (که کنترل‌کننده‌ی آن دشمن جمهوری اسلامی است: ایالات متحده) معرفی می‌کند که بتواند شبکه‌های امن داخلی در آن فراهم شود. اولین پرسش مطالبه‌گرانه‌ی ما چنین است: چرا شبکه ملی اطلاعات باید بر قراردادهای وضع شده توسط دیگران مبتنی شود و ما صرفاً در یک کنش دفاعی و انفعالی، امکان انفکاک را برای خودمان فراهم کنیم؟ چرا تعریف‌کنندگان این تعریف، شبکه ملی اطلاعات را شبکه‌ای تعریف نمی‌کنند که بتواند هم‌ارز اینترنت قراردادی جدید را در سطح جهانی ارائه کند؟ این چه انفعال نهادینه شده‌ای در مسئولان ماست که هر کنش ما باید «در مقابل» (و در اصل: در ذیل) کنش‌های دشمن قرار گیرد؟ مگر قرار بر این نبود که انقلاب اسلامی (و به تبع آن جمهوری اسلامی) پرچمدار همه‌ی مستضعفان عالم باشد؟ مگر ایران و انقلاب در بسی عرصه‌های دیگر نتوانست قراردادهای و نظام‌های متبوع خود را ایجاد کند؟ چه سری است که ما نمی‌توانیم به سمت شکل‌دهی به یک شبکه جهانی جدید که میزبان همه‌ی مخالفان اینترنت است، حرکت کنیم؟

ما از واژه «اینترنت ملی» حرف نمی‌زنیم. ما به خوبی می‌دانیم که این واژه غلط است و آن‌هایی هم که از آن سخن می‌گویند یا غافلند، یا دشمنند و یا خیانت‌کار. به همان اندازه که حاکمیت و مدیریت یکپارچه بر اینترنت و فضای مجازی حق هر دولتی است، دسترسی به اینترنت (بخوانید: ارتباط و تبادل سالم اطلاعات با خارج از

کشور) نیز یک حق طبیعی برای شهروندان این مرز و بوم است. لکن این بدان معنا نیست که ما تا ابدالدهر ذیل قراردادهای دیگران به این ارتباط ادامه دهیم و این وظیفه انقلاب، جمهوری اسلامی، شورای عالی فضای مجازی و وزارت ارتباطات است که این آرمان را محقق کند.

حال حتی اگر تعریف شورای عالی فضای مجازی را نیز بپذیریم (که نزد ما ناپذیرفتنی است) باز هم چند نکته مورد توجه است: این تعریف از عدم ردگیری داده‌ها و کنش‌های داخل کشور از سوی خارج مرز، تبادل داده‌های داخل کشور بدون نیاز به اتصال به پایگاه‌های داده خارج کشور، و پایداری شبکه داخلی در صورت قطعی اینترنت از سوی خارج کشور سخن می‌گوید. شایان ذکر است که وزارت ارتباطات به عنوان مجری طرح مدعی است که نود درصد این شبکه محقق شده است! با توجه به تذکر متخصصان این حوزه مبنی بر بی‌اساس بودن این ادعا، ما دانشجویان به وضوح مشکلاتی چند را در این عرصه (و با توجه به تعریف خود شورای عالی فضای مجازی) تشخیص می‌دهیم که نیاز به بررسی و پیگیری دارد. در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد:

نخست برای تحقق شبکه ملی اطلاعات نیاز است تا تمامی سرویس‌های داخل کشور به پایگاه‌های داده داخل کشور منتقل شود. در زمینه پایگاه‌های داده داخلی، هنوز ضعف بسیار مشهود است، مضاف بر این که با رشد سرویس‌های ابری و شرایط فعلی کشور در بحران بیماری کرونا، نیاز است تا در این زمینه نیز همتی اساسی به کار گمارده شود و این سرویس‌ها تقویت شوند، چراکه سرویس‌های ابری ضعیف داخلی به ناپایداری در ارائه خدمات و نتیجتاً خروج ارز به دلیل خرید ترافیک خارجی و خروج اطلاعات منجر می‌شود. به نظر می‌رسد که مفهوم شبکه ملی اطلاعات برای وزارت ارتباطات در مشتی کابل خلاصه می‌شود؛ در حالی که حتی بنا به تعریف پذیرفته شده نیز این «داده‌ها» هستند که مهم‌ترین نقش را در این شبکه ایفا می‌کنند.

دوم نداشتن طرح معماری فضای مجازی داخل کشور است. وزارت ارتباطات موظف است تا به میزان و نحوه توزیع سرورها، پایگاه‌های داده، شبکه‌های تحویل داده (CDN)، و نقاط تبادل اینترنتی (IXP) در کل کشور بپردازد تا عملاً این اهداف را محقق کند. متأسفانه، تاکنون چنین طرحی نه طراحی شده و نه تحویل شورای عالی فضای مجازی شده است.

سوم سرویس‌های نام‌دهی (DNS) و آدرس‌دهی داخل شبکه نت است که در قطعی اینترنت سال 1398، با توجه به نیازشان به به‌روزرسانی و اتصال به خارج کشور، مشخص شد که این سرویس‌ها به شدت دچار مشکل هستند و تا تحقق تام شبکه ملی اطلاعات فاصله بسیار است.

چهارم بحث محتوا و کاربری‌ست. نباید چنان تصور شود که شبکه ملی اطلاعات صرفاً در سطح زیرساخت و سرویس به کار می‌آید. شبکه ملی اطلاعات به شکل جدی وابسته به جریان توزیع و تولید محتواست. به عنوان مثال، در قطعی اینترنت سال 1398، هیچ جویشرگر بومی نمی‌توانست کاربران را به مقصودشان نزدیک کند.

طراحی و ساخت جویشر بومی بر اساس توانمندی‌های تحلیل زبان فارسی جدا از نقش محوری‌اش در این شبکه، می‌تواند به شکل جدی در تحقق و فراگیری شبکه ملی اطلاعات یاری‌گر باشد. فقدان چنین جویشری فقدان بخش اعظمی از شبکه ملی اطلاعات است.

پنجم "ایجاد سرویس‌های داخلی توانمند" است. برای شکل‌گیری شبکه ملی اطلاعات، باید در همه زمینه‌ها اعم از مسائل اقتصادی، ارتباطی و... سرویس‌های متناسب با کاربران ایرانی راه بیفتد تا احساس نیاز به خارج از کشور مرتفع شود. این مسأله شامل پیام‌رسان‌های داخلی هم می‌شود که در تجربه فیلتر تلگرام، کل حاکمیت با اراده و توان واحد نتوانست یک سرویس قوی پیام‌رسانی در حد و اندازه‌های این پیام‌رسان (یا به تعبیر دقیق‌تر، شبکه اجتماعی) ایجاد کند. چگونه وزارت ارتباطات در فقدان چنین سرویس‌هایی از تحقق ۹۰ درصد شبکه ملی اطلاعات سخن می‌گوید؟ بنابراین بهتر است بگوییم که ۹۰ درصد از کابل‌کشی‌های شبکه ملی اطلاعات محقق شده است و ما هنوز راه درازی برای رسیدن به شبکه ملی اطلاعات (طبق همان تعریف غلط) پیش رو داریم.

در پایان این بخش باید به زمینه‌سازی برای کاربران ایرانی اشاره کرد که شبکه ملی اطلاعات به‌منظور نائل آمدن به آن باید زیستن در این فضا و تأمین تمام نیازهای ارتباطی اعم از اقتصادی، خبری، علمی، و حس کاربری و... را فراهم آورد، به‌نحوی که این شبکه در نظر کاربران، شبکه‌ای «دوست»، «همراه»، و «کار راه انداز» بنماید. این که ما شبکه‌ای بسازیم که با تمام تخفیف‌هایش کسی از آن استفاده نکند چه فایده‌ای دارد؟ مگر جز این است که شبکه ملی اطلاعات باید به همین مردم خدمت‌رسانی کند؟ به گمان ما، با تغییر نگاه به شبکه ملی اطلاعات و ساختن یک اکوسیستم توانمند، همه‌جانبه، جامع، و کاربرپسند است که می‌توان حقیقتاً چنین شبکه‌ای را محقق کرد.

1.1.3. مسأله محتوا:

با توضیحاتی که در مورد شبکه ملی اطلاعات ذکر شد، اهمیت جنبه محتوا بیش‌ازپیش جلوه‌گر می‌شود. رهبر معظم انقلاب خطاب به شورای عالی فضای مجازی، در نسبت با مسأله محتوا بر «توسعه محتوا و خدمات کارآمد و رقابتی منطبق بر ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی-ایرانی در تمامی قلمروهای مورد نیاز جامعه و جلب مشارکت‌های مردمی و به‌کارگیری ظرفیت‌های بخش خصوصی در این زمینه» تأکید کرده‌اند. اما در این خصوص نیز مشکلاتی ساختاری در عرصه حاکمیت وجود دارد؛ از طرفی با طرح مسأله «صوت و تصویر فراگیر»، درگیری ساختاری میان سازمان صدا و سیما و وزارت ارشاد درگرفته است و از سوی دیگر، تولیدکنندگان محتوا که به شکل جدی در زمینه تلویزیون‌های خانگی در حال فعالیتند، در این دوگانگی سرگردانند. این که چرا هیچ نهاد بالادستی‌ای به کشمکش میان سازمان و وزارت خاتمه نمی‌دهد، خود پرسشی بی‌پاسخ است؛ گویی دو طرف ماجرا از این

کشمکش و قدرت‌نمایی‌های پیرامونش لذت می‌برند. در این میان تنها تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان هستند که قربانی شده‌اند. همچنین در عرصه تولید محتوا، هیچ قاعده‌ای حمایت از تولیدکنندگان محتوا - چه در عرصه حق امتیاز کارهای تولیدی و خلاقانه، و چه در عرصه میزان دیده شدن - وجود ندارد. ما از نهادهای مسئول مطالبه می‌کنیم که به‌نحو متمرکز و همگرا، به حمایت از تولیدکنندگان محتوا در سطح امتیاز تولید و نیز امتیازدهی به ترافیک مصرفی همت گمارند.

1.1.4. مسأله پیشروی علم و فناوری در فضای مجازی:

رهبری در بیاناتی جداگانه، به نقش فضای مجازی در توسعه علم و فناوری پرداخته‌اند، اما ایشان در حکمشان خطاب به شورای عالی فضای مجازی، دغدغه‌های آینده‌نگرانه و پیشروانه‌ای داشتند که مغفول واقع شده است. برخی از این دغدغه‌ها عبارتند از: «رصد وضعیت جاری فضای مجازی و پیش‌بینی و آینده‌نگری تحولات در این فضا در سطح ملی و بین‌المللی»، «اهتمام ملی و همه‌جانبه و سرمایه‌گذاری جدی در امر ایجاد و توسعه انواع فناوری‌ها و صنایع کاملاً پیشرفته و رقابتی»، و «ایجاد رشته‌های نوین دانشگاهی و تربیت سرمایه‌های انسانی متعهد، متخصص، و کارآمد مورد نیاز در بخش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، محتوایی و خدماتی در تمامی ابعاد فضای مجازی». می‌توان این دغدغه‌ها را در چهار سطح (۱) آینده‌نگری در فضای مجازی، (۲) تربیت منابع انسانی متناسب با تحول تمدنی، (۳) تغییر ساختاری دانشگاه‌ها متناسب با این تحول، و (۴) سرمایه‌گذاری و پیشروی به سوی کسب فناوری‌های نوین فضای مجازی در همه ابعادش خلاصه کرد.

این دغدغه‌ها از سمت مسئولین امر چنانکه شایسته است پیگیری نشده و متأسفانه، هیچ تحولی نه در ساختار حاکمیتی و نه در رویه مسئولین پس از ابلاغ پیش‌نیامده است. این غفلت در حالی اتفاق می‌افتد که برای مثال، کشور چین در سال جاری 2.5 درصد از تولید ناخالص داخلی خود را مصروف تحقیق و توسعه هوش مصنوعی کرده است، کشور امارات متحده عربی وزارتخانه‌ای را برای این کار تأسیس کرده است و کشورهای دیگر از جمله کانادا، ایالات متحده، روسیه، و... هر یک به نحوی و در جریان پیشرفت در این مسیر، سعی در گرفتن گوی سبقت از همدیگر دارند. همگان در سطح جهانی به اهمیت فضای مجازی و لزوم توسعه علمی و فناوری در این حوزه (طرفه آن که دقیقاً منطبق با چهار سطح مورد تأکید رهبری) پی‌برده‌اند و اما مسئولان ما، به سه مورد اول اشاره شده به کلی بی‌توجهند و در مورد چهارم نیز تنها گام‌های محدودی را به پیش برداشته‌اند. این وضعیت نابسامان ما را به یاد این شعر حافظ می‌اندازد که می‌فرماید:

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش

کی روی، ره ز که پرسى، چه کنی، چون باشی

1.1.5. محور مقاومت مجازی و روابط بین‌المللی

شاید در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران هنوز در داخل، یعنی در سطح ملی، گرفتار مشکلات عمدهٔ تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری، و حاکمیت بر فضای مجازیست، سخن گفتن از نقش‌آفرینی سازنده و فعالانهٔ مجازی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی خوش‌باورانه و حتی بلندپروازانه به نظر برسد. با این حال، ما باور داریم که تلاش در راستای چنین نقش‌آفرینی سازنده و فعالانه‌ای به‌نوبهٔ خود می‌تواند در اصلاح ساختارهای داخلی نیز یاری‌رسان باشد، چنانکه چشم‌پوشی از این دو عرصه نیز به انفعال و ضعف بیشتر، حتی در ساحت ملی، منجر خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های گذشته، با بهره‌گیری از روح پویا و فرامرزی انقلاب اسلامی توانسته در دو عرصهٔ نظامی و نیز اجتماعی، روحیهٔ جهاد و مقاومت را در میان بسیاری از ملت‌های منطقه بدمد. دمیدن این روح انقلابی لزوماً با نقش‌آفرینی مستقیم در کشورهای دیگر همراه نبوده است، بلکه مردمان بسیاری از این کشورها - نظیر عراق، لبنان، یمن، و بحرین - با الگوگیری از انقلاب شکوهمند اسلامی و مقاومت چهل‌واندی سالهٔ ملت ایران، با تکیه بر اراده و اعتماد به نفس جمعی خودشان دستاوردهای بسیاری حاصل آورده‌اند. تحقق این دستاوردها به‌حدّی انکارناپذیر است که امروزه، دشمنان بزرگ انقلاب، اسلام و ایران نیز از وجود عرصه‌ای نو تحت عنوان محور مقاومت سخن می‌گویند.

با این وجود، غفلت از وجه مجازی حیات انسانی در آستانهٔ عصر سایبری، سبب شده است تا محور مقاومت در ساحت فضای مجازی، از دستاوردهای بی‌بدیلی که در دیگر عرصه‌ها حاصل آورده بی‌بهره بماند. این عدم تناسب میان دستاوردهای نظامی و اجتماعی از یکسو، و دستاوردهای مجازی از سوی دیگر، می‌تواند آیندهٔ مقاومت در منطقهٔ جنوب غربی آسیا را با بحران مواجه کند.¹⁶

علاوه بر نیاز مبرم به بازبینی سیاست‌های فضای مجازی در منطقه، توجه به همکاری‌های بین‌المللی با قدرت‌های نوظهور فرامنطقه‌ای مسألهٔ دیگریست که اقدامات لازم و کافی در این مورد نیز انجام نشده است. همکاری در زمینهٔ زیرساخت‌های فنی، طرح‌های مرتبط با توسعهٔ هوش مصنوعی، توسعهٔ سرورهای بومی و مشترک، و... مسائلی‌ست که باید مورد توجه باشد، چراکه قدم گذاشتن در این عرصه‌های کلان و هزینه‌بر بدون همکاری‌های بین‌المللی در بسیاری از موارد امکان‌پذیر نیست. ما از مسئولان این عرصه (شورای عالی، مرکز ملی فضای مجازی، وزارت ارتباطات، معاونت فناوری ریاست جمهوری و ...) انتظار داریم که به جای محدود ماندن در

¹⁶. البته این عدم تناسب در عرصه‌های دیگر نظیر عرصهٔ اقتصادی نیز مشهود است که ما از طرح آن در متن حاضر معذوریم.

مرزهای داخلی، کنش‌گری فعال را در سطح منطقه و بین‌الملل پیگیری کنند و به جای اخذ موقعیت‌های انفعالی و دفاعی پی‌درپی، این بار با رویکردی فعال، نظام‌بخش و تهاجمی به عرصه‌ی رگولاتوری اینترنت و محور مقاومت مجازی ورود کنند.

1.1.6. اقتصاد فضای مجازی

رهبری در خطابشان به شورای عالی فضای مجازی، «احراز جایگاه و سهم مناسب برای اقتصاد دانش‌بنیان در فضای مجازی، در چارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی کشور و برنامه‌ریزی همه‌جانبه برای بهبود شرایط کسب‌وکار مرتبط با فناوری‌های مجازی و بهره‌گیری از فرصت‌های اشتغال‌زایی، و نیز رونق محتوا، خدمات، و تجارت در این عرصه» را خاطرنشان فرمودند. در اهمیت اقتصاد فضای مجازی همین بس که در سال 2019، درآمد بازی‌های ویدیویی در جهان 120 میلیارد دلار بوده و درآمد هالیوود در همین سال در حدود 42.5 میلیارد دلار. یک بار و برای همیشه باید برای مسئولان روشن شود که مسأله اقتصاد فضای مجازی چیزی بیش از استارت‌آپها است. عدم پرداخت دقیق و حکمرانانه به مسأله رمزارزها که رهایی آن بدون قانون‌گذاری، حاکمیت ملی را تهدید می‌کند از جمله این قصورها است. اقتصاد فضای مجازی بی‌شک به پیش‌زمینه‌هایی مانند «بستر ایمنی چون شبکه ملی اطلاعات»، «سرمایه‌گذاری بر تحقیق و توسعه فناوری‌های فضای مجازی» و «تربیت نیروی متخصص» نیاز دارد که در بخش‌های پیشین متذکر آنها شدیم. غفلت از ابعاد و الزامات حوزه اقتصاد فضای مجازی در بهترین حالت منجر به رشد کاریکاتوری اقتصاد فضای مجازی در ایران و در نتیجه عدم تحقق آرمان‌های اقتصاد مقاومتی خواهد شد. این که مسئولان کلان اقتصاد کشور هنوز اقتصاد مقاومتی را از کانال فرش و دلار و نفت می‌جویند، نشان از آن دارد که آگاهان (من جمله ما دانشجویان) در آگاه‌سازی و مطالبه از آنها برای توجه به ظرفیت‌های اقتصادی فضای مجازی قصور کرده‌ایم.

1.1.7. جایگاه مرکز ملی فضای مجازی:

در حکم رهبری امر به "تثبیت و تقویت جایگاه مرکز ملی فضای مجازی به عنوان بازوی شورای عالی فضای مجازی در جهت تحقق تصمیمات آن شورا" شده است؛ اما عملاً این مرکز به مجموعه‌ای بی‌هویت و فاقد اثرگذاری ساختاری و محتوایی تبدیل شده است. بخشی از این خنثی بودن به عدم تعریف جایگاه ساختاری این

مرکز برمی‌گردد و بخشی دیگر به مدیریت منفعلانه و غافلانه مسئولین امر که در بخش آتی به آن خواهیم پرداخت.

1.2. بررسی عملکرد مسئولین امر:

بررسی عملکرد مسئولین فضای مجازی موضوع بسیار گسترده و حساسی است. تلاش ما از سویی، بر این است تا مشکلات فضای مجازی به شکل اساسی و تخصصی حل شوند و از سوی دیگر، بر آنیم تا این بیانیه متهم به تلاشی برای حمایت از جریان‌های سیاسی مشخص یا هجمه به آنها نشود. بنابراین تلاش می‌کنیم تا نقد عملکرد مسئولین فارغ از موضع‌گیری سیاسی نویسندگان و امضاکنندگان مطرح شود. به گمان ما، مسئولین فضای مجازی بیش و پیش از هر چیز، دچار انفعال و غفلت هستند و به مسائل فضای مجازی همچون اموری در جهت پیشروی جریان سیاسی خود می‌نگرند. از اینرو، نیاز است تا نگاه تخصصی در ضمن مدیریت‌شان تقویت شود، از جناح‌بندی سیاسی پرهیز کنند و مشابه رهبر انقلاب به مسائل فضای مجازی همچون دغدغه‌ای ملی و گذاری تمدنی بنگرند.

برای روشن شدن مسائلی که در سطح مدیران، سیاست‌گذاران، و مجریان مطرح کردیم، سه موقعیت خاص و خطیر در فضای مجازی کشور را پیش می‌کشیم. در جریان تمرکز بر این سه مورد، مطرح خواهد شد که با چه میزان از انفعال و نابخردی، مسائل فضای مجازی روندی قهقراپی و نزولی را طی کرده‌اند.

1.2.1. مهاجرت همگانی به تلگرام

از زمان فراگیری تلفن‌های هوشمند، پیام‌رسان‌ها در میان کاربران جامعه ایرانی فضای مجازی جایگاهی ویژه و فراگیر پیدا کرده‌اند. از اواخر دهه‌ی ۸۰ و اوایل دهه‌ی ۹۰، کاربران ایرانی پس از پیدایش و فراگیری برنامه‌های پیام‌رسان (Messenger App)، در نمونه‌های مختلفی از آنها حضور داشتند. با محدودیت‌هایی که در پیام‌رسان وایبر پیش آمد، موج فراگیری از مهاجرت مردمی به سوی تلگرام راه افتاد. به‌تصریح وزیر ارتباطات وقت، در برنامه تلویزیونی «دست‌خط» در سال ۱۳۹۳ یا ۱۳۹۴، ایشان با دوروف (Dorov)، مؤسس این شبکه دیدار داشتند. پس از آن، در سال ۱۳۹۶، شخص دوروف اشاره کرد که شبکه‌های تحویل محتوا (CDN) برای تلگرام در ایران و به‌منظور افزایش سرعت کاربری با همکاری دولت ایران ایجاد شده است. این خبر پس از جنجال‌هایی مطرح شد که شخص آقای واعظی، وزیر ارتباطات دولت قبل، مبنی بر انتقال سرورهای تلگرام برپا کرده بودند. این جنجال‌ها به‌شدت بی‌اساس بودند، چراکه این کار نه به لحاظ فنی ممکن بود و نه به لحاظ اقتصادی به‌صرفه. با توجه به شواهدی که ذکر شد، به نظر می‌رسد پروژه فراگیری تلگرام بیش از آنکه صرف یک

مهاجرت مردمی باشد، با حمایت‌های دولتی فراهم شده بود. با تمام این توضیحات، در بحبوحه رخداد‌های سال 1396 و در پی رفتارهای کانال آمدنیوز در اشاعه خشونت و پخش کلیپ‌های استفاده از اسلحه و مواد آتش‌زا، وزیر ارتباطات وقت در شبکه توییتر به شکلی ذلیلانه از شخص دوروف خواست تا این کانال بسته شود. این درخواست در شرایطی مطرح می‌شد که پیش از این، سطح بالایی از همکاری برای فراگیری پیام‌رسان دوروف در ایران انجام شده بود.

این نیز قابل ذکر است که به نزد ما، یک وزیر یا وکیل یا مسئول موفق لزوماً یک کاربر موفق در شبکه‌های اجتماعی نیست؛ حال عطش و ولع مسئولان ما برای فعل و انفعال در شبکه‌های اجتماعی‌ای چون توییتر جز در چارچوب نوعی انفعال در مقابل این فضا قابل تحلیل نیست. ارتباط با مردم یک چیز است و اسیر شبکه‌های اجتماعی شدن یک چیز دیگر. به نظر می‌آید همان‌طور که سواد فضای مجازی برای عموم مردم لازم و حیاتی است، برای مسئولان ما نیز ضروری و حتی شرط انتخاب برای مسئولیت است.

با توضیحاتی که رفت و با نگاه به تاریخی که در مسأله پیام‌رسان‌ها طی کرده‌ایم، آیا بهتر نبود از همان سال‌های ابتدای دهه 1390، حاکمیت دست به کار ساخت یا خرید یک پیام‌رسان مناسب و کاربردی می‌شد؟ اگر با نگاه دقیق به این مآقع بنگریم، با ساخت یا خرید چنین پیام‌رسانی می‌توانستیم از همه بحران‌های پیش‌آمده پیشگیری کنیم ولی چنین آینده‌نگری‌ای، خلاف تاکید رهبری در حکم ۹۴، نه در آن موقع وجود داشت و نه اکنون. مسأله پیام‌رسان‌های داخلی ماجرایی مفصلی دارد که در ادامه به ابعاد دیگری از آن خواهیم پرداخت.

1.2.2. بحران پیام‌رسان‌ها پس از تلگرام

پیش از این گفتیم که اگر در مسأله پیام‌رسان‌ها، رویکردی آینده‌نگرانه پیش گرفته می‌شد، بسیاری از مصائب فضای مجازی در برهه زمانی مذکور قابل پیشگیری بود. اما مسئولان ما حتی پس از وقوع تحولات عرصه پیام‌رسان‌ها نیز نتوانستند سیاست مناسبی اتخاذ کنند، چنان‌که یک جریان سیاسی پیام‌رسانی را خرید و سعی کرد آن را به عنوان بدیل تلگرام معرفی کند یا جریان‌هایی که در افواه امنیتی معرفی شدند، با ساخت رابط برنامه‌نویسی نرم‌افزار (API) تلگرام سعی کردند تا شبکه اجتماعی تلگرام را به نحوی حفظ کنند که ثمره‌اش اکنون مشخص است. جریان‌های دیگر به شکل مجزا و با اهداف مختلف، دست به تأسیس پیام‌رسان‌های دیگری زدند. در این فرآیند جدال‌های سیاسی و صنفی میان مدیریت پیام‌رسان‌ها و جریان‌های سیاسی به کند شدن پیشروی این پروژه‌ها انجامید و در مجموع، هیچ جایگزین قدرتمندی نتوانست به‌طور تمام‌وکمال جایگزین تلگرام شود. تذکر ما به هیچ وجه نافی زحمات تیم‌های فعال تولیدکننده پیام‌رسان‌ها نیست، بلکه هدف آن مدیریتی است که به جای آنکه مسأله ملی با این اهمیت را به نحوی مدیریت کند که همه توان‌ها و قابلیت‌ها در آن

همگرا شوند، این مسأله را تبدیل به نزاعی سیاسی می‌کند تا برای بقایش در عرصه سیاست ضامنی فراهم کند. سودجویی سیاسی از بحران‌های ملی به یکی عادت‌های معمول و مرسوم میان بسیاری از مسئولان ما بدل گشته است. حال، هر چند مسائل مربوط به فضای مجازی مانند برخی از مسائلی چون اقتصاد و فساد به تیتراژ یک روزنامه‌ها و موضوع مورد بحث شبکه‌های اجتماعی بدل نشود، اما این زنهار پابرجا خواهد بود که در آینده نزدیک، فضای مجازی و بحران‌های آن نه تنها شدیدتر از بحران تلگرام و پس از تلگرام خواهد بود بلکه مشخصاً به تمامیت ارضی و ملی کشور ضربه خواهد زد. طرفه آن که مساله و بحران پیام‌رسان (که یک جزء لازم و ضروری برای شبکه‌ی ملی اطلاعات است)، به خصوص باتوجه به حاکمیت فعلی واتساپ و اینستاگرام (تحت مدیریت فیسبوک) فعلاً به فراموشی سپرده شده است: تا دوباره بحرانی چون بحران تلگرام پیش بیاید، نگاه‌ها جلب شود، شعارها داده‌شود و سیاسی‌بازی‌ها آغاز گردد و روز از نو و روزی از نو.

1.2.3. مسأله مرکز ملی فضای مجازی

پیش از این به جایگاه ساختاری و ضعف‌هایی که در مرکز ملی فضای مجازی وجود دارد اشاراتی کردیم، اما آنچه ما را به موضع‌گیری علیه این مرکز وامی‌دارد تغییر مدیریتی است که از سال 1394 تاکنون، در این مرکز پیش آمده است. با تغییر مذکور، مواضعی منفعلانه، گاه دوگانه، از سویی حامی و از سوی دیگر منتقد وزارت ارتباطات از سوی مسئول محترم این مرکز اتخاذ شده است. جدا از مواضع منفعلانه، رویکرد ایشان بر اساس حفظ وضع موجود و پیشگیری از هر گونه حاشیه‌ای برای دولت بوده است؛ از اینرو، مسائل اساسی فضای مجازی کشور همواره مغفول مانده است. این مرکز که می‌باید رانده و پیشران «قدرت مجازی» در جمهوری اسلامی ایران می‌بود، صرفاً به یک مرکز مرضی‌الطرفین بدل گشته است. این مرکز باید بداند که اگر می‌تواند جناح‌های سیاسی را توأمان راضی نگاه دارد، نمی‌تواند نگاه خیره دانشجویان انقلابی‌ای که همواره به این مرکز دوخته شده است را با چنین انفعال و سیاس‌بازی‌هایی راضی نگاه دارد. آیا کسی نیست که به این مرکز متذکر شود که با گذر زمان و ادامه‌ی مسیر غفلت از مسائل اساسی فضای مجازی، بررسی و پرداخت به آنها در آینده بسی سخت‌تر، پیچیده‌تر و سیاسی‌تر از امروز خواهد بود؟

2. سخنی با دانشجویان

رهبر انقلاب در بیاناتشان به تاریخ خردادماه سال 1398، در خصوص اثرگذاری فعالیت‌های دانشجویی چنین فرموده‌اند: "در زمینه مسائل گوناگون؛ چه مسائل کشوری، چه مسائل بین‌المللی... دانشجویها رفتند و یک

مشکلی را واقعاً حل کردند. یعنی نه پول دارند؛ نه قدرت قانونی دارند، اما در عین حال، حضورشان می‌تواند یک کار بزرگ را، یک مشکل بزرگ را حل کند. ... یعنی اینکه مجموعه دانشجویی از قوه قضاییه یا قوه مقننه یا مجمع تشخیص یک چیزی را مطالبه بکند، تأثیرگذار است؛ این اثر داشته و این کاری بوده که شما کرده‌اید و بسیار خوب است." ما به تأسی از رهبر عزیزمان مسیر خود را در نسبت انقلاب اسلامی و فضای مجازی چنین توصیف می‌کنیم: **نخست** شناخت عظمت حادثه انقلاب اسلامی و امتداد و بقای آن در نسبت با فضای مجازی، **و در امتداد نکته نخست**، توجه به عظمت راه طی شده و شامل شدن این عظمت در حیطه فضای مجازی.

2.1. عظمت حادثه انقلاب (هم از لحاظ وقوع، هم از لحاظ ماندگاری) و دستاوردهایش

انقلاب اسلامی در جهان مدرن و در نزاع میان کاپیتالیسم و کمونیسم تلاشی بود تا دریچه دیگری از نگاه به سیاست، فرهنگ، و ارزش‌های انسانی بگشاید. رویکردی که با نگاه به دین و پیوند دادن آن با حضورش در دنیا از طرفی، به جمع آنها پردازد و از سوی دیگر، ارزش‌های انسانی از قبیل آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، و امثالهم، یعنی ارزش‌ها و معیارهای جهانشمولی که در همه اعصار تاریخ مؤثر و مطلوب است را به جهان مادی شده و بی‌معنا بازگرداند.

به تأکید رهبر عزیزمان، "انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بالاراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد."

انقلاب اسلامی اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. این مرحله الزامات خاص خود را دارد که باید متوجه آن بود: **اولاً** خودسازی فارغ از زیست سالم و صالحانه در فضای مجازی ممکن نیست و **ثانیاً** تمدن‌سازی هم بدون در نظر گرفتن جهش تمدنی فضای مجازی که مورد تأکید رهبريست، محقق نخواهد شد.

انقلاب اسلامی پدیده زنده و پویایی است، بنابراین با نظام‌سازی دچار خمودگی نمی‌شود، چراکه از سویی انقلابی است و از سویی نظام‌ساز و این سویی به‌ظاهر متضاد را در خود جمع می‌کند. در ماهیت انقلاب، همواره فاصله میان آنچه باید باشد و امر موجود است که وجدان ما جوانان را معذب می‌کند. به تأکید رهبر انقلاب، این فاصله طی‌شدنی است و ما جوانان تمام تلاشمان را بر این مهم مصروف می‌داریم.

انقلاب کارکرد کاملاً برجسته و ممتاز در زمینه‌های گوناگون داشته است؛ هم در زمینه سیاسی، هم در زمینه اجتماعی، هم در زمینه علمی، هم در زمینه عدالت، و هم در زمینه آزادی. انقلاب در زمینه همه خواسته‌های مهم بشری و ملی و بین‌المللی کارکردهای برجسته‌ای داشته است.

انقلاب اسلامی که بدون هیچ تجربه‌ای، با ترکیب دو عنصر اسلامیت و جمهوریت آغاز شد، باید در ادامه به ترکیب دو امر به‌ظاهر متضاد جمهوری اسلامی و فضای مجازی دست یازد و ساختارها و نیروهای خود را متناسب با آن بازآرایی و بازتعریف کند. همچنین هویت جوان انقلابی در فضای مجازی تعریفی دیگر با کارکردهایی متفاوت خواهد داشت. بی‌گمان، مطالعه تجارب دیگر کشورها در این زمینه آموزنده است، اما مسیر جمهوری اسلامی و جوان انقلابی در این عرصه باید یگانه و تکین باشد.

بنابر آنچه بیان شد، ثمرات انقلاب اسلامی باید در عرصه اساسی و خطیر فضای مجازی نیز تسری یابد. از جمله ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران، موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی از جمله هوش مصنوعی، انواع واقعیت‌های آمیخته، زیرساخت‌ها، خدمات و محتواهای سالم و پاک و... به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی، افزایش بینش و تحلیل سیاسی مردم، ایجاد عدالت در تقسیم امکانات فضای مجازی در سراسر کشور، افزایش معنویت در فضای عمومی جامعه - چه از مدخل فضای مجازی و چه در محتواهای این فضا، ایستادگی در برابر قلدران و مستکبران جهان - چه از خلال فضای مجازی و چه مستکبران این عرصه.

2.2. عظمت چشم‌اندازی است که باید به آن برسیم:

چشم‌انداز جمهوری اسلامی فراتر از یک قدرت منطقه‌ای است. قدرت در جمهوری اسلامی بیش از آنکه از سلاح و قوت نظامی برآید، از غنای فرهنگ برمی‌خیزد. جمهوری اسلامی با توجه به این میراثی که در فرهنگ ایرانی-اسلامی می‌بیند، افق تمدن‌سازی را برای خود برگزیده است تا زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت (عج) شود. بدین ترتیب فضای مجازی نیز جز مرحله‌ای زمینه‌ساز، قدمی به سوی جلو و ابزاری تمدن‌ساز برای آرمان اصیل جمهوری اسلامی نخواهد بود. فضای مجازی تنها آن‌گاهی «به راستی» انقلابی می‌شود که در چشم‌انداز اصیل جمهوری اسلامی قرار گیرد؛ چنین فضایی، به حق، به همان اندازه‌ی چشم‌انداز ما، عظیم و بی‌بدیل خواهد بود. با تمام انتقاداتی که در این بیانیه به مسئولان (و حتی خودمان) وارد کردیم، ما امیدواریم:

ما امیدواریم که کج‌فهمی‌ها و کج‌روی‌ها را از میان برداریم و مسیر راستین را برای تحقق شبکه ملی اطلاعات هموار سازیم؛ ما امیدواریم که مسئولان به این سخنان گوش فرادهند و آنچه باید دریابند را دریابند، ما

امیدواریم که به زودی خود نیز امور مسائل را در دست گیریم و نه مانند آن‌هایی که به نسیم روزگاری آرمان‌هایشان را فراموش کردند، بل مانند شهدایی چون باقری، همت و خرازی، آرمان‌هایمان را در رابطه با فضای مجازی عملی کنیم؛ **ما امیدواریم** که تمدن نوین اسلامی‌ای را از خلال فضای مجازی پایه‌گذاری کنیم؛ **ما امیدوار** به شکست هر دشمنی (چه نظامی و چه مجازی) هستیم؛ **ما امیدوار** به ظهوریم. **ما می‌دانیم** که چنین راهی دست‌یافتنی است و ما خواهیم توانست.

2.3. عظمت نقش نیروی جوان متعهد

رهبر انقلاب فرمودند: "ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز نیاز داریم؛ باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البته این حرکت وجود دارد، منتها بایستی انضباط پیدا کند؛ سرعت پیدا کند؛ و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است؛ جوان‌های متعهد محور این حرکتند. جوانها اگر متعهد باشند، می‌توانند در نظام مدیریت کشور یک تحول عظیمی را به وجود بیاورند."

به تعبیر رهبر انقلاب، ما جوانان هنوز در این عرصه تجربه کافی را به دست نیاورده‌ایم و "نیازموده و ندیده‌ایم". بی‌گمان باید "کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنیم و آن را هرچه بیشتر، به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنیم". بی‌گمان، در این عرصه باید به خوبی گذشته را بشناسیم و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته (که فضای مجازی یکی از این مهمترین این عوامل است) را به خوبی بشناسیم و در آن مؤثر باشیم. ما معتقدیم که با مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را می‌توان به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها، از جمله فضای مجازی رسانید.

ما جوانان بنا به فرموده رهبر عزیزمان، خود را محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی می‌دانیم، هم با ظرفیتی که در خود از ایمان و اعتقاد به اسلام عزیز داریم و هم از این جنبه که مهمترین ظرفیت امیدبخش کشور هستیم. بی‌گمان یکی از فرصت‌های عظیم کشور فضای مجازی است که به تعبیر رهبری "آن چیز اولِ بلاآخر" است، به این معنی که اگر آغازی به لحاظ زمانی برای آن متصور باشیم، پایانی بر آن نیست و از اینرو، ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع حضرت قائم (عج) صرفاً از این مدخل ممکن می‌شود.

در پایان، ما جوانان خود را مطالبه‌گر از مسئولین امر می‌دانیم و تمام وظایفشان را مستقل از فرد و هویت جناحی پیگیری خواهیم کرد. همچنین خود را وامدار و امتداددهنده انقلاب اسلامی با همه عظمت آن می‌دانیم. ما اعتقاد راسخ داریم که امتداد انقلاب و تحقق تمدن اسلامی، بدون توجه به فضای مجازی ممکن نیست. ما در این زمینه سعی خود را معطوف به شناخت و بهره‌مندی تام و تمام از این فضا می‌داریم و تمام تلاشمان را معطوف

به ارائه راهکارهای عملی و ایجاد جریان منتهی به اصلاح و بهبود فضای مجازی به سوی فضای مجازی مطلوب
در افق تمدن نوین اسلامی می‌کنیم.